

مقاله پژوهشی

رویکرد اندرزنامه‌نویسان سده‌های چهارم و پنجم هجری در کاربرد شخصیت‌های الگو مطالعه موردی: پندنامه انوشیروان، آفرین‌نامه، سیرالملوک، قابوسنامه، کیمیای سعادت، خردنامه

فائزه عقیقی^۱، زهره زرشناس*^۲، فرزانه گشتاسب^۲

۱- گروه ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲- گروه فرهنگ و زبانهای باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

بهمن ۱۴۰۰، دوره ۱۴، شماره پیاپی ۶۹، صفحات ۱۱۱-۱۲۸

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۴.۶۰۷۰

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار آدب)

چکیده:

زمینه و هدف: اولین اندرزنامه‌های فارسی در ایران، بعد از ورود اسلام، در قرون چهار و پنج هجری تألیف شد. نگارش اندرزنامه‌ها، در این زمان، نه تنها ادامه سنت اندرزنامه‌نگاری دوره ساسانی بوده، بلکه اهداف سیاسی و اجتماعی نیز داشته است. اندرزنامه‌ها حاوی نکات مهمی در تحلیل نحوه تفکر جامعه هستند و یکی از بخشهای مهم آنان از این منظر، شخصیت‌های سرمشق مورد استناد آنهاست. شخصیت سرمشق یا الگو، فردی است که بعنوان بهترین نمونه در تأیید اندرز مربوطه، از وی نقل قول و یا داستانی، آورده شده است.

روش مطالعه: در این مقاله تلاش شده با روش توصیفی-تحلیلی، شخصیت‌های سرمشق و علل انتخاب آنان در اندرزنامه‌های فارسی قرون چهار و پنج هجری بررسی و تحلیل شوند. متون مذکور عبارتند از خردنامه، آفرین‌نامه، پندنامه انوشیروان، سیرالملوک، کیمیای سعادت و قابوسنامه.

یافته‌ها: نویسندگان اندرزنامه‌های یادشده برای انتخاب اشخاص الگو، فارغ از تفکر و سلیقه شخصی، از یک سو به ارزشها و از سوی دیگر به چالشهای موجود در جامعه نیز توجه داشته‌اند. بنابراین بسامد بالای استفاده از شخصیت‌های سرمشق خاص و یا متعلق به دوره زمانی یا موقعیت شغلی ویژه‌ای، میزان محبوبیت و کارایی آن اشخاص را در جامعه نشان میدهد.

نتیجه‌گیری: بررسی متون موردنظر در این مقاله، توجه اندرزنامه‌نویسان را بیشتر به حوزه سیاسی و سپس مذهبی و اجتماعی نمایان میکند. همچنین اقبال به شخصیت‌های الگوی ایرانی و یا کسانی که به فرهنگ ایران علاقمند بوده‌اند، چه در دوره باستان و چه در دوره اسلامی، بسیار بارز است.

تاریخ دریافت: ۲۶ آذر ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۲۸ دی ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۱۴ بهمن ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۴ اسفند ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

اندرزنامه، فارسی،

شخصیت الگو،

قرون چهار و پنج هجری.

* نویسنده مسئول:

✉ zohreh_zarshenas35@yahoo.com

☎ ۲۲۴۳۱۷۰۷ (۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The approach of the authors of the advisory of the 4th and 9th centuries AH in the use of Standard character

Case Study: Pandnameh of Anoushirvan, Afarinnameh, Siyar al-Muluk, Qaboosnameh, Kimiaye Saadat, Kheradnameh

F. Aghighi¹, Z. Zarshenas^{1*}, F. Goshtasb²

¹- Department of Iranology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

²- Department of Culture and Ancient Languages, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 16 December 2021

Reviewed: 17 January 2022

Revised: 02 February 2022

Accepted: 14 March 2022

KEYWORDS

advisory, Persian, Standard character, the 4th and 9th centuries AH

*Corresponding Author

✉ zahreh_zarshenas35@yahoo.com

☎ (+98 21) 22431707

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The first Persian advisories in Iran, after the advent of Islam, were written in the 4th and 9th centuries AH. The writing advisories, at this time, was not only a continuation of the tradition of advisory writing of the Sassanid period, but also had political and social purposes. Advisories contain important points in analyzing the way society thinks. And one of the most important parts of them from this perspective is the Standard character they cite. A Standard character is a person who, as the best example in confirming the relevant advice, is quoted or narrated.

METHODOLOGY: In this article, an attempt has been made to study and analyze Standard characters and the reasons for their selection in the Persian advisories of the 4th and 9th centuries AH by the library method. The mentioned texts include Kheradnameh, Afarinnameh, Pandnameh of Anoushirvan, Siyar Al-Muluk, Kimiaye Saadat and Qaboosnameh.

FINDINGS: Authors of the mentioned advisories for choosing Standard characters, regardless of personal thought, have also been noted. On the one hand to the values and on the other hand to the existing challenges in society. Therefore, the high frequency of using certain specific Standard Characters or belong to a specific time period or job position, it shows the popularity and efficiency of those people in the society.

CONCLUSION: Examining the texts in this article, shows the attention of authors of the advisory is more focused on the political and then religious and social spheres. Also notice to the Iranian Standard characters or those who were interested in Iranian culture, both in ancient and in the Islamic period, is very prominent.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.14.7.7](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.14.7.7)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 10	 1	 0

مقدمه

اندرزنامه‌ها در ایران نه‌تنها متونی ادبی بوده، بلکه بنا بر ضرورتی که نوشته شده‌اند، حاوی نکات اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی بسیاری هستند. مؤلفه‌های متفاوتی چون نحوه تفکر، موقعیت شغلی و اجتماعی نویسنده اندرزنامه و درنهایت وضعیت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه در آن دوره، در شیوه نگارش اندرزنامه تأثیر بسزایی داشته است. مجموع اندرزنامه‌هایی که در یک مقطع زمانی گسترده (یک قرن و یا حتی بیشتر) نوشته شده‌اند، غیر از نگرشهای متفاوت نویسندگان، آگاهی نسبتاً جامعی از اوضاع اجتماعی و سیاسی آن دوره زمانی را نیز ارائه می‌دهد و همین امر است که بررسی اندرزنامه‌ها را از ابعاد گوناگون مهم و ضروری می‌سازد. بنظر میرسد بعد از موضوع اخلاقی اندرزنامه‌ها، دومین جزء و رکن اصلی این متون، موضوع شخصیت‌های الگو باشد. درحالی‌که یکی از موضوعاتی که در حوزه ادبیات تعلیمی چندان مورد توجه قرار نگرفته، ضرورت وجود الگو و سرمشق در اینگونه از ادبیات است.

منظور از شخصیت الگو، شخصیتی است که نویسنده اندرزنامه، از وی بعنوان بهترین نمونه در تأیید موضوع اندرزها، نام می‌برد، یا از او نقل قول یا داستانی ذکر میکند. این شخصیتها لزوماً افراد مثبت، پرهیزکار و سرمشق اخلاق نیکو نیستند، گاه — البته بندرت — در اندرزها نام افراد منفی و خطاکار را هم می‌بینیم که شاید بمنظور تأدیب و تذکر است و شاید با هدفی دیگر نامشان آورده شده است، که باید درباره‌اش جستجو کرد. از سوی دیگر هر نویسنده بنا بر اندیشه و موقعیت اجتماعی و همچنین چگونگی دوره زیست خویش و ارزشهای جامعه در آن زمان، شخصیت‌های الگوی اجتماعی، سیاسی یا مذهبی خاصی را از دوره‌های مختلف تاریخی انتخاب کرده است که با بررسی و تحلیل این شخصیتها و بسامد کاربرد آنها در اندرزنامه‌ها، میتوان به نکات مهمی درباره طرز فکر نویسنده اندرزها و موقعیت اجتماعی و سیاسی زمان زندگی او رسید.

نکته دیگر، چنانکه اشاره شد، آن است که این شخصیتها نقشهای مختلفی در اندرزنامه‌ها دارند، گاه مستقیماً از آنها بعنوان سرمشق اخلاق یاد میشود، گاه پندی یا جمله‌ای حکمت‌آمیز به آنها نسبت داده میشود و گاه بطور غیرمستقیم و هنگامی که به فضیلتی اشاره میشود، نام شخصیتی آورده میشود. این موضوع و پرسش که اصلاً از چه افراد و شخصیت‌هایی در اندرزنامه‌ها بعنوان الگو نام برده میشود، این شخصیتها از نظر ویژگیهای اخلاقی چگونه‌اند، در اندرزها چه توصیفی از آنها شده است، با دین و عقاید دینی یا شخصیت‌های واقعی تاریخی چه نسبتی دارند و نقش دقیق آنها در اندرزنامه‌ها چیست، از سؤالاتی است که مبنای این پژوهش قرار گرفته است و تلاش میشود در پایان مقاله به آنها پاسخ داده شود.

سابقه پژوهش

در ارتباط با موضوع این مقاله دو دسته تحقیقات موردنظر قرار می‌گیرد. یک دسته آثاری که درباره اندرزنامه‌های فارسی پنج قرن اول اسلامی نوشته شده و دسته دیگر تحقیقاتی که در مورد شخصیت‌های الگو در اندرزنامه‌ها انجام شده است.

دسته اول خود شامل دو گروه است: گروه اول، تحقیقاتی است که به معرفی و تحلیل کلی اندرزنامه‌های این دوره بصورت کلی پرداخته‌اند، مانند آثار صفا (۱۳۶۳)، مزداپور (۱۳۸۶)، نفیسی (۱۳۴۴) و (Shaked, safa ۲۰۱۲). گروه دوم تحقیقاتی است که به تحلیل جزئیات اندرزنامه‌های مذکور از وجه موضوعات اندرزها انجام گرفته است، مانند ابراهیمی (۱۳۹۶)؛ مهدوی و تقی‌زاده (۱۳۹۷) که به مضامین اندرزی آفرین‌نامه در مقایسه با اثر دیگری

پرداخته‌اند. و یا نوشته‌های الهیاری (۱۳۸۱)؛ عباس‌زاده و یوسف لو (۱۳۹۱) که در مورد *قابوسنامه* و *سیرالملوک* و همچنین فرزام (۱۳۷۷) که در مورد *کیمیای سعادت* به تحقیق پرداخته‌اند. فروزش (۱۳۹۱) نیز در اثر خود به سه متن موردنظر در این مقاله، پرداخته اما آنها را صرفاً از نظر سنت اندرزنانه‌نویسی سیاسی، تحلیل کرده و گاهی به برخی از موضوعات اندرزا نیز اشاره کرده است. برخی از آثار دیگر مانند مقاله‌های ظهیری ناو و خرم‌آبادی (۱۳۹۳)، اثنی عشری و رستگار فسایی (۱۳۸۴) و کتاب طباطبائی (۱۳۹۰) موضوع تداوم اندیشه ایران باستان در اندرزنانه‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند.

در حوزه شخصیت‌های الگو، تفضلی (۱۳۷۶) توضیحاتی در اندرزنانه‌های ساسانی ارائه کرده است و شخصیت‌های الگوی آن متون را البته نه با این عنوان نام برده است که به دوره موردنظر در این مقاله ارتباطی ندارد. در معدودی از نوشته‌ها نیز مانند مقاله جلیلی (۱۳۸۹) که به مبحث شخصیت‌های ذکرشده در خردنامه از منظر شناسایی افراد، نه از وجهی که در این مقاله مدنظر است، پرداخته، توجه به موضوع شخصیت الگو دیده می‌شود، اما با رویکرد تحلیل اجتماعی، سیاسی و یا فرهنگی از این موضوع که موردنظر در این مقاله است، انجام نشده‌اند. در نهایت، براساس بررسی پیشینه این موضوع، در مورد بررسی و تحلیل انتخاب شخصیت‌های الگو در اندرزنانه‌های فارسی قرون چهار و پنج هجری، تحقیق مجزایی صورت نگرفته است.

روش مطالعه

روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای و براساس توصیف و تحلیل اندرزنانه‌هاست. دوره زمانی این تحقیق دو قرن چهار و پنج هجری است، زیرا از یک سو اندرزنانه فارسی متعلق به قبل از قرن چهار هجری موجود نیست و از سوی دیگر از ورود اسلام تا قرن پنج هجری، از لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره‌ای خاص محسوب می‌شود و هرچند مدتی چندصدساله از ورود اسلام به ایران گذشته اما همچنان بسیاری از سنن و آداب فرهنگ ایران باستان در ابعاد مختلف جامعه از رده‌های بالای حکومت تا زندگی مردم عادی جریان داشته است. بسیاری از متفکران و حکمای جامعه در هر حوزه تلاش می‌کردند تا اندیشه‌های اصلاحی را برای رفع مشکلات ارائه داده و فرهنگ ایرانی را توسعه دهند. بنابراین بررسی اندرزنانه‌های آن دوره، بخصوص از منظر شخصیت الگو، می‌تواند راهگشای تحلیل جامعی از تفکر ایرانیان و همچنین بستر جامعه در آن چند سده باشد.

اندرزنانه‌های موردنظر در این مقاله، شش اندرزنانه فارسی متعلق به دوره مذکور شامل: *پندنامه انوشیروان*، *آفرین‌نامه*، *سیرالملوک*، *قابوسنامه*، *کیمیای سعادت* و *خردنامه* است. نکته لازم به ذکر اینکه هرچند کتابت خردنامه متعلق به قرن ششم هجری برآورد شده اما با توجه به نظر مصححان، ادبیات آن متعلق به یک قرن پیش از آن است.

در این تحقیق ابتدا شخصیت‌های الگوی اندرزنانه‌های مذکور، استخراج شد و بسامد استفاده از آنان نیز برآورد شد. شخصیت‌های الگو در نگاه اول شامل دو دسته کلی هستند: ۱. شخصیت‌های الگوی با نام خاص؛ ۲. شخصیت‌های الگوی بدون نام خاص. منظور از دسته اول شخصیت‌های سرمشقی است که با نام ذکر شده‌اند، مانند انوشیروان، بزرگمهر، حضرت علی (ع) یا حتی خداوند. منظور از دسته دوم، استناد به گروه یا فرد نماینده گروه، در حوزه‌های مذهبی، اجتماعی و یا سیاسی است که بدون اینکه نام مشخصی از وی یا ایشان آورده شود، از وی نقل قول یا داستانی بیان شود. مانند حکما، صوفیان، موبدان و مانند آن. اطلاعات دسته دوم در جدولی دسته‌بندی شده است. بعد از استخراج و برآورد شخصیت‌های الگو، در مرحله بعد از لحاظ زمانی و موقعیت طبقه‌بندی شدند. این شخصیت‌ها

متعلق به دو دوره زمانی باستان و اسلامی هستند. نکته قابل ذکر اینکه منظور از باستان، دوره قبل از اسلام است چه در ایران چه در جوامع دیگر. به همین دلیل نه تنها ایرانیان قبل از اسلام بلکه پیامبران بنی‌اسرائیل و یا اعراب متعلق به دوره جاهلیت هم ذیل باستان طبقه‌بندی شده‌اند.

چند طبقه شخصیت الگو با نام خاص، در اندرزنامه‌های مذکور وجود دارد که از لحاظ وضعیت و موقعیت، شامل خداوند، فرشتگان، ابلیس، مهر و سیمرغ و شخصیت‌های الگوی انسانی: شخصیت‌های اساطیری و حماسی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی میشوند. در قسمت بررسی داده‌ها ذیل هر یک از این عناوین، شخصیت‌های الگو طبقه‌بندی شده‌اند و به بسامد کلی هر دسته در مجموع اندرزنامه‌ها اشاره شده است. در قسمت تحلیل داده‌ها، علت انتخاب شخصیت‌های الگو تحلیل خواهد شد.

این مقاله بدنبال پاسخ به این سؤالات است: ۱. استفاده از شخصیت‌های الگوی اندرزنامه‌های این دوره، چه سیری را دنبال کرده؟ و از چه شخصیت‌هایی بیشتر بعنوان الگو استفاده شده؟ ۲. با توجه به شخصیت‌های الگوی بکاررفته در اندرزنامه‌های مذکور، نویسندگان آنها، چه رویکردی داشته‌اند و بدنبال اصلاح در چه حوزه‌هایی بوده‌اند؟ ۳. بستر جامعه در قرون ۴ و ۵ هجری که وامدار سه قرن قبلی نیز است، برای چه اشخاصی با چه وجهه‌ای ارزش بیشتری قائل بوده است؟

هدف از این پژوهش، برجسته کردن اهمیت انتخاب شخصیت‌های الگوی موردنظر نویسندگان اندرزنامه‌ها و بسامد آنها، در چگونگی تحلیل ارزشهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی موجود در جامعه و دغدغه اندرزنامه‌نویسان در اصلاح حوزه‌های مرتبط است. این تحقیق در تهران و در سال ۱۳۹۹ انجام شده است. بایسته است از ریاست بزرگوار و عالی بنیاد ایرانشناسی و همچنین مسئولان محترم آموزش کمال سپاس را داشته باشیم که در تمام مراحل تحصیل، با مهر و دلسوزی تمام همراهی داشته‌اند. آرزومند توفیق روزافزون برای این بزرگواران هستیم.

بحث و بررسی

شخصیت‌های الگو در اندرزنامه‌ها

پیشینه استفاده از شخصیت الگو در اندرزنامه‌ها به دوره ساسانی بازمی‌گردد. بیشتر اندرزنامه‌های این دوره به بزرگان و یا حکیمان نسبت داده شده مانند اندرز دانایان به مزدیسنان و برخی نیز به شاهان و روحانیان منسوب شده است. بعنوان مثال در کتاب ششم دینکرد شخصیت‌هایی به نام آذر نرسه، آذر مهر، بهداد آذر اورمزد، آذر بوزید و اورمزد سگری بعنوان شخصیت الگو در نظر گرفته شده‌اند. از شخصیت‌های دیگری که بعنوان شخصیت الگو در اندرزنامه‌های دوره ساسانی نام برده شده‌اند، میتوان به آذرباد مهرسپندان، بزرگمهر، اوشنر، خسرو قبادان، بهزاد فرخ پیروز و مینوی خرد اشاره کرد (تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تفضلی: صص ۱۸۱-۲۰۱). موضوع انتساب و تأیید اندرزها به شخصیتی خاص و شناخته‌شده (با هر ملیتی) بعد از ورود اسلام نیز در اندرزنامه‌ها ادامه پیدا کرد، حتی بعضی از شخصیت‌های الگوی اندرزنامه‌های ساسانی مانند انوشیروان، بزرگمهر، خسرو پرویز و همچنین عناوینی چون موبد، دهقان، خسرو و... در اندرزنامه‌های دوره اسلامی وارد شد.

شخصیت‌های الگوی با نام خاص

خداوند

خداوند چه در قالب روایات و چه در قالب آیات قرآن در تمامی اندرزنامه بجز پندنامه انوشیروان، مورد استناد قرار گرفته است و بسامد آن در مجموع اندرزنامه‌ها، ۴۹۹ بار بوده است. در آفرین‌نامه تنها به خداوند در قالب روایات استناد شده است که در مورد توصیه به انتخاب راه خداپسندانه است. استناد به خداوند در قالب آیات قرآن در چهار اندرزنامه سیرالملوک، خردنامه، قابوسنامه و کیمیای سعادت استفاده شده است و توصیه به مواردی چون یکتاپرستی، معرفت نفس، اهمیت نبوت و ولایت، رعایت فضائل اخلاقی و آداب مذهبی است (کیمیای سعادت). در سیرالملوک، آیات قرآنی بیشتر خطاب به پادشاهان در توصیه رعایت به عدالت و عملکرد شایسته است (سیرالملوک). در خردنامه توصیه به توکل بر خداوند در تمامی موارد زندگی است (خردنامه) و در قابوسنامه نیز تأکید بر حکمت آفرینش و توصیه به رعایت فضائل اخلاقی است (قابوسنامه). بیشترین استناد به خداوند در کیمیای سعادت با بسامد ۴۷۱ بار (بیشتر در قالب آیات قرآن) بوده است.

فرشتگان

فرشتگان مقرب الهی، عزرائیل، میکائیل و جبرئیل در دو اندرزنامه خردنامه و کیمیای سعادت (مجموع ۱۵ بار) در مورد توصیه به خداپرستی و اهمیت نبوت مورد استناد قرار گرفته‌اند. در خردنامه تنها یک مورد استناد بوده است.

ابلیس

کیمیای سعادت تنها اندرزنامه‌ای است که از زبان ابلیس اندرز داده است (دو بار) و بر موضوعاتی چون حرمت صوفیان، رعایت فضائل اخلاقی و احتیاط در مورد زنان تأکید کرده است.

مهر و سیمرغ

مهر و سیمرغ تنها در پندنامه انوشیروان (هرکدام یک بار) به ترتیب در باب نکوهش دزدی و همچنین توصیه به تلاش در حد توانمندی مورد استناد واقع شده‌اند.

شخصیتهای انسانی

شخصیتهای اساطیری

فریدون، اسفندیار، کیخسرو، گودرز، سام، منوچهر، رستم، زواره، گشتاسب، جاماسب، افراسیاب و پیران ویسه از این دسته محسوب میشوند. این شخصیتهای در سه اندرزنامه سیرالملوک، پندنامه انوشیروان و قابوسنامه (مجموع ۱۴ بار) دیده میشوند که بیش از همه در سیرالملوک و کمتر از همه در قابوسنامه استفاده شده‌اند. موضوعاتی که عموماً ذیل شخصیتهای اسطوره‌ای و حماسی بیان‌شده مرتبط با شایستگی و تدبیر در هر موقعیت بوده است.

شخصیتهای سیاسی باستان

در بین شخصیتهای سیاسی باستان دو دسته افراد ایرانی و غیرایرانی در موقعیتهای شغلی پادشاهی و وزارت هستند. غیر از افراد شناخته‌شده دو عنوان کلی ملوک عجم و ساسانیان نیز در اندرزهایی که لزوم رعایت عدالت در حکمرانی را گوشزد میکند، بکار رفته است. در دسته شخصیتهای ایرانی سیاسی باستان، انوشیروان با بیشترین ارجاع (۱۳ بار در چهار اندرزنامه)، بعنوان نماد پادشاه شایسته، عادل و مدبر مطرح شده است (سیاست‌نامه)، که

به فضائل اخلاقی و خویشتن‌شناسی اهمیت بسیار میداده است (خردنامه). در پندنامه انوشیروان نیز نام اندرزنامه به وی منسوب است و اصلیت‌ترین شخصیت الگوست. در قابوسنامه نیز یک باب به وی و اندرزهایش اختصاص دارد. دیگر پادشاهان ایرانی باستان نیز در اندرزهایی که لزوم شایستگی، عدالت، تدبیر، هوشیاری و خردمندی را برای پادشاه تذکر میدهند، مطرح شده‌اند (پندنامه انوشیروان، سیرالملوک، خردنامه). البته دو پادشاه قباد و خسرو پرویز در دو موضوع لزوم هوشیاری پادشاه و عدم اطاعت از زنان بعنوان الگوی منفی مثال زده شده‌اند (سیرالملوک). در بین وزرای ایرانی دوره باستان، بزرگمهر از جمله افرادی است که در چهار اندرزنامه، مورد ارجاع قرار گرفته است (۱۶ بار). وی نماد وزیری شایسته (سیرالملوک و خردنامه) است و از وی اندرزهایی مبنی بر رعایت مهارت‌های رفتاری با دیگران (قابوسنامه)، آداب حکمرانی شایسته بر مردم (کیمیای سعادت) و رعایت فضائل اخلاقی و همچنین آموزه‌های پزشکی مفید (خردنامه) نقل شده است.

در گروه سیاسی باستان، طبقه افراد غیرایرانی، اسکندر تعداد دفعات بیشتری (۱۴ بار) بعنوان شخصیت الگو مطرح شده است. نام وی در سه اندرزنامه خردنامه، سیرالملوک، و قابوسنامه آمده است. وی نماد پادشاهی شایسته (سیرالملوک و قابوسنامه) است که بسیار طالب اندرز است و اهمیت وی به خردورزی بارها مطرح شده است (خردنامه). فرعون نیز بعنوان پادشاهی که سفره‌دار و میهمان‌نواز بود (سیاست‌نامه) و ادعاهای بزرگ داشت (قابوسنامه) و افرادی چون آصف برخیا و شمعون و هارون نیز بعنوان وزرا و دستیاران شایسته (سیاست‌نامه) مطرح شده‌اند.

شخصیت‌های سیاسی باستان در همه اندرزنامه‌ها (در مجموع ۶۹ بار) بجز آفرین‌نامه مورد عنایت بوده‌اند. بیشترین اقبال در سیرالملوک و کمترین در کیمیای سعادت بوده است.

شخصیت‌های مذهبی باستان

در بین شخصیت‌های مذهبی باستان تنها یک نفر ایرانی و باقی غیرایرانی هستند (با مجموع استناد ۱۵۳ بار). زرتشت مهم‌ترین شخصیت مذهبی باستان ایرانی در سه اندرزنامه آفرین‌نامه، پندنامه انوشیروان و قابوسنامه (هرکدام یک بار) در موضوعات اهمیت دانایی (پندنامه انوشیروان و آفرین‌نامه) و شجاعت (قابوسنامه) مورد استناد قرار گرفته است.

پیامبران دیگر باستان در تمام متون جز آفرین‌نامه و پندنامه انوشیروان مطرح شده‌اند که بیش از همه به ترتیب در کیمیای سعادت و سپس سیرالملوک مورد استناد قرار گرفته‌اند. در بین پیامبران حضرت عیسی بیش از سایرین در تعداد اندرزنامه‌های بیشتری، خردنامه، سیرالملوک و کیمیای سعادت (با بیشترین ارجاع ۵۶ بار) مورد ارجاع قرار گرفته است (در مجموع ۵۸ بار). علاوه بر حضرت عیسی، حضرت ابراهیم، موسی، یوسف و سلیمان بیشترین مورد ارجاع را داشته‌اند که از زبان آنان اندرزهایی مبنی بر لزوم تدبیر برای پادشاه (سیرالملوک)، توصیه به خردورزی (خردنامه) و رعایت فضائل اخلاقی و مهارت‌های رفتاری، آداب مذهبی و همچنین رعایت حقوق دیگران (کیمیای سعادت) مطرح شده است.

شخصیت‌های اجتماعی باستان

شخصیت‌های اجتماعی باستان افراد ایرانی و غیرایرانی (با مجموع کاربرد ۷۷ بار) در همه اندرزنامه‌ها بجز آفرین‌نامه مورد استناد بوده‌اند. این گروه افرادی چون بزرگان و حکما مانند لقمان حکیم، سندباد، حاتم طائی؛ موسیقیدانان

مانند باربد؛ فیلسوفان و دانشمندان چون ارسطو، سقراط، افلاطون، بقراط، سوطارون، سارون، مقراطیس، بیماس، میاوندوس، امروس، دیوجانس و جالینوس را در برمیگیرد. در این گروه، فیلسوفان و حکمای یونان دارای بیشترین استناد (۶۴ بار) هستند که در همه اندرزنامه‌ها جز پندنامه انوشیروان و آفرین‌نامه استفاده شده‌اند. از این میان خردنامه بیش از سایر اندرزنامه‌ها به ایشان ارجاع داده است و کیمیای سعادت کمتر از سایرین استفاده کرده است. در اکثر موارد خردنامه از نام این اشخاص به نوعی استفاده کرده که در قالب گفتگویی دوفره‌اند. بعنوان مثال گفتگو بین اسکندر و ارسطو که در این حال هرچند ظاهراً یک گفتگوست، اما اندرزهای بسیاری از زبان ارسطو به اسکندر داده میشود. برخی از ایشان بعنوان نماد مهارت و استادی در علم طب مطرح شده‌اند (کیمیای سعادت و قابوسنامه). سخنان ایشان در موارد متعدد یکتاپرستی، فضائل اخلاقی، مهارت رفتارهای اجتماعی، عملکرد اجزاء جهان مادی مورد استناد قرار گرفته است.

شخصیتهای سیاسی اسلامی

شخصیتهای سیاسی دوره اسلامی در پنج اندرزنامه آفرین‌نامه، خردنامه، سیرالملوک، قابوسنامه و کیمیای سعادت (در مجموع ۳۵۰ بار) مطرح شده‌اند که کمتر از همه در آفرین‌نامه و بیشترین تعداد در سیرالملوک است. تنها پندنامه انوشیروان از شخصیتهای سیاسی اسلامی استفاده نکرده است. در طبقه افراد سیاسی بعد از اسلام، سامانیان از لحاظ اهمیت به تربیت افراد شایسته و انتخاب وزرای مدبر و شایسته مورد توجه هستند. همچنین بوییان از وجه حفظ حرمت لقب (پادشاهانشان فقط یک لقب داشتند) در سیاست‌نامه بعنوان شخصیت الگو مثال زده شده‌اند. در بین پادشاهان دوره اسلامی، از سلطان محمود غزنوی در دو اثر قابوسنامه و سیرالملوک، بخصوص اثر دوم، (مجموع ۱۸ بار) اندرزها و داستانهای نقل شده است. در گروه سیاسی، به تفکیک اندرزنامه‌ها، از زبان پادشاهان اندرزهایی مبنی بر توصیه به شایستگی، عدالت و تدبیر، دقت در امور حکومت و عمال حکومتی، تربیت شاهزاده، ندیم و غلام، هوشیاری در برابر بدعتهای دینی، تدبیر در انتخاب وزیران، دبیران و محتسبان شایسته، دقت در مسئله اقطاع، مطالعه رسوم پادشاهان پیشین (سیرالملوک) و همچنین فضائل اخلاقی و رفتارهای شایسته (قابوسنامه) بیان شده است. افراد دیگری که در این گروه از آنان اندرزهایی نقل شده، خلفا هستند. در این بین خلفای چهارگانه بخصوص عمر بن خطاب (۹۵ بار) و ابوبکر (۴۲ بار) و همچنین خلفای عباسی بیشتر مورد توجه هستند. در بین خلفای چهارگانه، ابوبکر و عمر در دو اندرزنامه سیرالملوک و کیمیای سعادت مطرح شده‌اند. و نام عثمان تنها در کیمیای سعادت آمده است. از خلفای عباسی، به المقتدی، مقتدر عباسی، واثق عباسی، القادر بالله، معتصم، منصور دوانقی، هارون الرشید و مأمون در سیرالملوک، قابوسنامه و کیمیای سعادت اشاره شده است. از خلفای اموی تنها به سلیمان بن عبدالملک (سیرالملوک)، معاویه (سیرالملوک، قابوسنامه و کیمیای سعادت) و عمر بن عبدالعزیز (سیرالملوک و کیمیای سعادت) اشاره شده که عمر بن عبدالعزیز جایگاه ویژه‌ای دارد (۲۲ بار). در کیمیای سعادت در استناد به عمر، ابوبکر و عمر بن عبدالعزیز، توصیه‌هایی در مورد کسب فضائل اخلاقی و دوری از رذایل، رفتارهای شایسته و شیوه معامله و کسب حلال اندرزهایی بیان شده است. در سیرالملوک نیز از آنجا که محور اندرزنامه بر اندیشه‌های سیاسی است، اندرزهایی که ذیل نام خلفا آمده است در زمینه شایستگی، عدالت، هوشیاری، تدبیر و خردورزی حاکم و پادشاه است. از سایر عمال حکومتی، وزرا و دبیران بیش از سایرین بعنوان شخصیت الگو استفاده شده‌اند. بلعمیان و برمکیان

بعنوان وزرای شایسته مثال زده شده‌اند (سیرالملوک). موضوعاتی که از زبان وزیران و دبیران اندرز داده شده پیرامون تدبیر و شایستگی وزیران و دبیران و کارگزاران حکومتی در تمامی زمینه‌های اخلاقی، رفتاری و شغلی است (خردنامه، سیرالملوک، و قابوسنامه).

در کل، در این دسته بیشتر شخصیت‌های سیاسی حاکم در ایران مورد ارجاع قرار گرفته‌اند. از پادشاهان گرفته تا وزرا. سامانیان، دیلمیان، غزنویان، صفاریان، طاهریان، آل زیار و سلجوقیان سلسله‌های مورداعتنا در این زمینه‌اند. در بین وزرا نیز احمدبن حسن میمندی، نظام‌الملک و صاحب‌بن عباد بیشتر مورد توجه‌اند. در بین افراد سیاسی غیرایرانی نیز عربها بخصوص خلفای عرب مورد استناد هستند که بیشتر در سیرالملوک و کیمیای سعادت و بعد از آن قابوسنامه و آفرین‌نامه بعنوان شخصیت الگو مطرح شده‌اند. از لحاظ تنوع افراد، سیرالملوک رتبه نخست و از لحاظ بسامد استناد، کیمیای سعادت در جایگاه اول است.

شخصیت‌های مذهبی اسلامی

در طبقه شخصیت‌های مذهبی اسلامی پیامبر اسلام، ائمه شیعه، پیشوایان سایر مذاهب، بزرگان تصوف و عرفان و قضات و فقها قرار دارند (در مجموع ۲۰۷۰ بار).

نام حضرت محمد (ص) بیش از همه بعنوان شخصیت الگو استفاده شده است (در مجموع ۱۲۰۵ بار) و در تمامی اندرنامه‌های این دوره بکار رفته است. در پندنامه انوشیروان بعنوان نماد جوانمردی، در خردنامه علاوه بر اینکه بعنوان رسول حق مطرح شده، از زبان وی توصیه‌هایی به فضائل اخلاقی و خردورزی و در سیرالملوک نیز لزوم عدالت، تدبیر و میانه‌روی در پادشاهای مطرح شده است. عنصرالمعالی در قابوسنامه علاوه بر اینکه حضرت محمد (ص) را نماد انسان کامل و شایسته مطرح کرده از وی نقل قولهایی در زمینه شناخت حق، رعایت فضائل اخلاقی، حق دختر بر پدر، آداب و شرایط بازرگانی آورده است. بیشترین مورد کاربرد نام پیامبر (ص) در کیمیای سعادت است (۱۱۵۲ بار) و در تمامی موضوعات بیان شده در این اندرنامه اعم از معرفت حق، فضائل اخلاقی، آداب رفتاری، آداب معاملات و ارکان مسلمانی، بعنوان شخصیت الگو مطرح شده است.

به حضرت علی (ع) نیز در بین شخصیت‌های مذهبی ارجاع بسیاری داده شده است (۶۶ بار). وی بعنوان نماد کامل شجاعت و انسانی بزرگ و شایسته در دنیا و آخرت مطرح شده است. همچنین از وی نقل قولهایی در حوزه رعایت فضائل اخلاقی، آداب مذهبی و رفتاری درست و همچنین رعایت حقوق دیگران در معامله آورده شده است.

در کیمیای سعادت حضرت فاطمه بعنوان زنی کامل و شایسته در دنیا و آخرت مطرح شده است. از امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و امام سجاد (ع)، حضرت زینب دختر حضرت محمد (ص) و عایشه اندرزهایی مبنی بر توصیه به فضائل اخلاقی و آداب مذهبی و همچنین مهارت‌های رفتاری با دیگران مطرح شده‌اند (کیمیای سعادت). در این میان سیرالملوک از امام حسین (ع) جملاتی درمورد اهمیت صبر، در خطاب به پادشاهان بیان کرده است. در گروه مذهبی از افراد دیگری نیز بعنوان الگو استفاده شده که بیشتر مربوط به طبقه پیروان حضرت محمد (ص) در صدر اسلام، محدثان، قاضیان، فقیهان، صوفیان و عارفان هستند. کیمیای سعادت بیش از سایر اندرنامه‌ها از این افراد بعنوان شخصیت الگو استفاده کرده است و در تمامی موضوعات کتاب اعم از معرفت حق، معرفت نفس، فضایل و رذایل اخلاقی و آداب معاملات و ارکان مسلمانی از ایشان نقل قول کرده است.

شخصیت‌های مذهبی اسلامی در چهار اندرنامه خردنامه، سیرالملوک، کیمیای سعادت و قابوسنامه مطرح شده‌اند که بیشترین سهم مربوطه به کیمیای سعادت و بعد از آن به ترتیب سیرالملوک، قابوسنامه و خردنامه است. در سه

اندرزنامهٔ اخیر، شخصیت‌های مذهبی بیشتر صوفیان و عارفان هستند، بعنوان مثال حسن بصری در سه متن خردنامه، سیرالملوک و کیمیای سعادت مطرح شده است. در بین شخصیت‌های مذهبی حضرت محمد (ص) در تمام اندرزنامه‌ها مطرح شده که بعد از کیمیای سعادت به ترتیب از تکرار زیاد تا کم، در سیرالملوک، قابوسنامه، خردنامه، پندنامهٔ انوشیروان و آفرین‌نامه است. حضرت علی(ع) نیز در چهار اندرزنامهٔ خردنامه، سیرالملوک، قابوسنامه و کیمیای سعادت مطرح شده که در کیمیای سعادت بسامد آن بالاتر است و بعد از آن به ترتیب در خردنامه، سیرالملوک و قابوسنامه آمده است.

شخصیت‌های اجتماعی اسلامی

شخصیت‌های اجتماعی دورهٔ اسلامی در چهار متن آفرین‌نامه، پندنامهٔ انوشیروان، سیرالملوک و قابوسنامه مورد استناد بوده‌اند (در مجموع ۱۸ بار) که بیش از همه قابوسنامه موارد ارجاع را داشته است. این گروه عبارتند از: شاعرانی چون بوشکور بلخی، عنصری، فرخی، عسجدی، بدایعی بلخی و دانشمندان و بزرگانی مانند زکریای رازی، فضل همدانی و علی واحدی.

شخصیت‌های الگوی بدون نام خاص

اطلاعات این قسمت ابتدا در جدولی آورده میشود:

آفرین‌نامه	هیربد، خورشید، فیلسوف، ژرف‌بین، به افزای، دژبرو، شاه رسان، پدر، جهان‌دیده، کبک، فرزند مرد، موبد، شمن، هندوان، سرو راست، مرد، خردمند، شاه فرخ، درخت، توانگر، درویش، دانا (بعد از خردمند، یلان، سخن‌دان، دانش‌فزای، سخنگوی، آموزگار، پاکان، ملک، شاهان، خردمند، روزگار، خسرو)
پندنامهٔ انوشیروان	شاه نو؛ فرزانه پیش‌بین؛ داننده روزگار؛ خسرو خوب روی؛ مرد حر؛ دانای نیکو سخن؛ مردم پرهیز؛ مرد نیک؛ جهان‌دیده مرد؛ پیر؛ دلنای‌تازی‌منش؛ مرد حکیم؛ موبد؛ مرد جوان؛ دلنای گردن فراز؛ شهره‌زن؛ اوستاد؛ هوشیار؛ دانای پاکیزه جان؛ استاد پیشین؛ بلند اختر؛ آزاده گوهری؛ داننده گرم‌وسرد؛ هوشمند؛ مردی ز زن پر زرد؛ داننده هوشیار؛ دولتی؛ داننده گوهری؛ داننده تازیان؛ خواجه سالخورد خواجه‌کم‌سخن؛ شاعر؛ خسرو باده‌خوار؛ خاک‌وزمی؛ شاه‌یمن؛ دانا؛ عروس. جوان؛ حکیم‌عجم؛ مردسنگ؛ داننده‌نیست‌وهست؛ دوستان؛ داننده‌باستان؛ شاه‌عرب؛ پیرجهان‌دیده؛ مرد راد؛ دانا؛ داننده عافیت؛ کتب آگهان؛ دهقان موبد نژاد؛ پاکیزه دین
خردنامه	حکیم، حکیمان، موبدان، بزرگان، گفته‌اند، قیصر، ملک هند، دانایان، فرشتگان، صحابه، خلفالراشدین، ازواج مصطفی(ص)، اهل بیت، خواجه فقیه، آل طاهرین
سیرالملوک	پادشاهان قدیم، هاشمی (پسری هاشمی)، اخبار، بزرگان، بزرگان دین، خانات ترکستان، خلیفه، ملوک، دانایان، شاعر، ملک طبرستان
قابوسنامه	حکمت، شعر از شاعر نامشخص، ضرب‌المثل عربی، ضرب‌المثل فارسی، پیران بغداد، خیر، علوی، فقیه شافعی، حکیمان، گفته‌اند (بکرات)، پادشاهان، خداوندان انصاف، پیر، زیرکان، متصرفان این صنعت (بازرگانان)، استاد، جهود، شاعر، وزیر از وزرای ملکان پارس، ملوک

	روم، استاد عنصرالمعالی، اهل صفه، دو صوفی، آن مرد گوید.
کیمیای سعادت	در خیر، صوفیان، دانسته‌اند، میخوانیم، گفته‌اند، اهل مدینه، بزرگان، بنی اسرائیل، صحابه، در سنت، سلف، یکی از تابعین در بصره، یکی میگفت، بیشتر صحابه، گروهی عابدان، یکی از زهاد، طبیبان، مشایخ، مریدان، گروهی، بعضی از شیوخ، پادشاهی، مردی در عرب، یکی از حکما، ضرب‌المثل، انبیاء، اهل بصیرت، فقها، بزرگی، در اثر، پیری از ری، زنی، هاتفی، یکی از حور، یکی، یکی از عارفان، یکی از بزرگان، پیامبری، در خیر، مسلمانان، جمعی، علما، بزرگان دین، یکی از پیران، یکی از زهاد، عابدی متوکل، کسی را، بعضی از اخبار، پیغامبران

براساس جدول، در بین اندرزنامه‌ها، سیرالملوک کمتر از همه و کیمیای سعادت بیش از همه از شخصیت‌های الگوی بدون نام خاص استفاده کرده است.

در سیرالملوک بسامد واژه «دانیان» قابل توجه است. در کیمیای سعادت این نوع شخصیتها بیشتر مربوط به طبقه مذهبی اعراب و بنی اسرائیل، عرفا و مشایخ است و در آفرین‌نامه بیشتر در حوزه ایران باستان است: «هیربد، موبد، خردمند، دانا، یلان، آموزگار، پاکان»، که به ترتیب بسامد استفاده از واژه‌های «خردمند»، «دانا» و «خسرو» بالاترین است. در خردنامه، بسامد استفاده از «حکیم» و «حکیمی» زیاد است. در این اندرزنامه نیز موصوفات مربوط به ایران باستان مثل «موبدان و دانیان» و موصوفات مرتبط با اعراب و فرهنگ اسلامی نیز مثل «صحابه، خلفالراشدین، اهل بیت، خواجه فقیه» اشاره شده است.

واژه‌های «موبد» در آفرین‌نامه و پندنامه انوشیروان؛ «دانا» در چهار اندرزنامه آفرین‌نامه، پندنامه انوشیروان، خردنامه و سیرالملوک؛ «حکیم» و «حکما» در همه متون جز آفرین‌نامه و سیرالملوک و «خردمند» تنها در آفرین‌نامه آمده است.

نکات تکمیلی

استناد به شخصیت‌های الگو در اندرزنامه‌های فارسی مذکور، بیشتر بصورت نقل قول و یا بیان داستانی از ایشان است و در موارد معدودی نیز نویسنده به توصیف شخصیت الگو بعنوان بهترین نمونه در موضوعی خاص پرداخته است که این حالت بیشتر در مورد حضرت محمد (ص)، انوشیروان ساسانی، بزرگمهر و اسکندر مقدونی اتفاق افتاده است.

بیشترین تعداد شخصیت‌های الگو متعلق به کیمیای سعادت و کمترین متعلق به آفرین‌نامه (هفت شخصیت الگو) بوده است. در قابوسنامه و خردنامه تعدد اشخاص الگو به اندازه باقی اندرزنامه‌ها نیست، اما در چند مورد محدود یک باب را به یک شخص اختصاص داده و جملات و اندرزهای زیادی از وی نقل کرده‌اند.

در بین اندرزنامه‌های مذکور، مدل خردنامه با باقی کمی متفاوت است. در خردنامه در بیشتر موارد، شخصیت‌های الگو بصورت گفتگوی دونفره یا پرسش و پاسخ، اندرزهای مربوطه را بیان و یا تأیید کرده‌اند. در قابوسنامه استفاده از ضرب‌المثل عربی و فارسی و شعر بسیار قابل توجه است.

تحلیل داده‌ها

هریک از اندرزنامه‌ها بنابر محور فکری و اندیشه نگارنده آن، همچنین فرهنگ جامعه در آن زمان، از طبقه یا

طبقه‌هایی از شخصیت‌های الگو از لحاظ موقعیت و وضعیت، استفاده کرده‌اند. در آفرین‌نامه بیشتر از شخصیت‌های الگوی بدون نام خاص استفاده شده و در موارد محدود از شخصیت‌های نامدار سیاسی دوره اسلامی بعنوان شخصیت الگو نام برده است. رویکرد نویسنده پندنامه انوشیروان نیز بیشتر به شخصیت‌های اساطیری و حماسی و سیاسی باستان است. در خردنامه بیشتر از شخصیت‌های اجتماعی بخصوص یونانی و بعد سیاسی و مذهبی دوره اسلامی استفاده شده است. نظام‌الملک در سیرالملوک بیشتر به شخصیت‌های الگوی سیاسی چه در دوره باستان و چه در دوره اسلامی توجه داشته است. عنصرالمعالی نیز از شخصیت‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی دوره باستان و اسلامی بعنوان شخصیت الگو استفاده کرده است. در کیمیای سعادت بدلیل دغدغه نویسنده آن، غالب شخصیت‌های الگو، مذهبی بخصوص محدثان، عرفا و صوفیان و بعد سیاسی دوره اسلامی هستند.

بررسی اندرزنامه‌های موردنظر در این مقاله، مجموع رویکرد اندرزنامه‌نویسان، دو قرن ۴ و ۵ هجری را ابتدا به حوزه سیاسی، سپس مذهبی و اجتماعی نشان می‌دهد. سابقه استفاده از اندرزنامه در حوزه سیاسی به ایران باستان میرسد که بیشتر پندنامه‌ها در حوزه «خرد و فرهنگ سیاسی» بوده‌اند (قابوسنامه عنصرالمعالی و جریان اندرزنامه‌نویسی سیاسی در ایران دوران اسلامی، اللهیاری: ص ۱۳۱). از دلایل مهم این موضوع، قابلیت اندرزنامه‌ها در بیان و آموزش شیوه اداره امور سیاسی و در کل گفتگوی سیاسی است (جایگاه وزارت و وزیران در متون اندرزنامه‌ای قرون میانه هجری، طرفداری: ص ۲۳) و این موضوع زمانی نمود بارزی پیدا کرده است که چالش‌های بسیاری در حوزه سیاست وجود داشته و بزرگان و حکما سعی در اصلاح داشته‌اند. آفرین‌نامه، پندنامه انوشیروان، خردنامه، سیرالملوک، قابوسنامه و کیمیای سعادت همه در سده‌هایی نوشته شده‌اند که به زعم محققان دوره خاصی محسوب می‌شده است. درحالی‌که برخی این زمان را دوره فترت فرهنگ ایرانی نام نهاده‌اند، اما نشانه‌ها حاکی است که تا پنج سده اول هجری هنوز فرهنگ ایران باستان در ایران فراگیر بود (Shaked, safa, ۲۰۱۲). این استمرار مدیون عوامل متفاوت سیاسی، اجتماعی و انسانی بوده است که مهمترین آنها بصورت خلاصه عبارتند از:

۱. باقی ماندن زبان فارسی در بین عامه مردم.
۲. فرهنگ و ادبیات شفاهی شامل قصه‌ها و روایات اساطیری و پهلوانی.
۳. نیاز دولت جدید اسلامی به ایرانیان در امر کشورداری و دیوانسالاری، با توجه به سابقه ایرانیان در این زمینه (استمرار فرهنگ ساسانی در دوران اسلامی و علل و عوامل آن، محمدی ملابری: صص ۱۲-۲۰). همچنین در سه سده اول هجری عالمان زرتشتی نیز با شرح و تبیین آموزه‌های فرهنگی خود سعی میکردند فرهنگ گذشته را احیا کنند (تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه: صص ۴۶۷-۴۸۵).

این شرایط سبب شد حکومت مرکزی نیز به مرور ایرانیان را با احترام بپذیرد. خلفای چهارگانه با ایرانیان با احترام رفتار میکردند. خلفای عباسی هم برخلاف امویان که سیاست توهین‌آمیزی را در قبال ایرانیان در پیش گرفته بودند (آیین زرتشت کهن روزگار و قدرت ماندگارش، بویس: صص ۲۶۸-۲۶۹)، ارتباط نزدیکی با ایرانیان برقرار کردند و بسیاری از عادات و آداب آنان را در دربار خود مرسوم کردند. در سده سوم و چهارم هجری نیز حکومت‌های صفاری و سامانی شکل گرفتند که خاستگاه ایرانی آنان بسیار قابل توجه بود. اساس دربار غزنویان هم بر طبق «شیوه‌های سنتی ایرانی سازمان یافته بود» (تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه: صص ۱۳۵، ۱۱۹، ۱۱۳ و ۱۶۰).

تأثیر ارتباط نزدیک خلفای عباسی با ایرانیان را در انتخاب شخصیت‌های الگو در اندرزنامه‌های این دوره میتوان دید. در گروه شخصیت‌های سیاسی دوره اسلامی نام تعداد قابل توجهی از خلفای عباسی بعنوان شخصیت سرمشق بکار رفته است، اما از امویان تنها به سه تن، معاویه، سلیمان عبدالملک و عمر بن عبدالعزیز اشاره شده که استناد به دو نفر اول بسیار کم است و استناد به عمر بن عبدالعزیز بیشتر است. عدم استفاده از نام امویان در اندرزنامه‌ها، میتواند

بدلیل نامحسوب بودن امویان در نزد ایرانیان باشد.

همچنین نقل قول از پادشاهان ایرانی مانند یعقوب لیث صفاری، سلسله سامانی، آل بویه و یا پادشاهان علاقه‌مند به فرهنگ ایرانی مانند سلطان محمود و مسعود غزنوی و پادشاهان سلجوقی نیز حاکی از علاقه مردم به حکومت‌هایی بوده که در عین کارایی بسیار، برای فرهنگ ایرانی احترام بسیاری قائل بوده‌اند.

در چند سده اول هجری، علاقه امرا و حاکمان به نزدیکی با فرهنگ ایرانی تا جایی پیش رفت که بسیاری از آنها بمنظور کسب مشروعیت و قدرت، نسب خود را به قهرمانان باستانی و اساطیری میرساندند. این موضوع را در مورد طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل زیار، آل بویه، غزنویان و سلجوقیان میتوان دید که خود را به اشخاصی چون جمشید، کیومرث، رستم، منوچهر، اردشیر، شاپور، انوشیروان، خسرو پرویز، یزدگرد و بهرام گور منسوب میکردند. در اندرزنامه‌های این دوره نیز اشاره به شخصیت‌های اساطیری و باستانی، بسامد قابل توجهی را نشان میدهد که هم به نوعی از محبوبیت این اشخاص در بین عموم جامعه و علاقه مردم به تداوم فرهنگ مرتبط با ایشان حکایت دارد و هم به قول منابع وجه سیاسی-نظامی این اشخاص، بازتابی از نیاز مهم جامعه ایران در دوره مذکور، به استقلال، امنیت و عظمت دوره باستان است (نسب و نسب‌سازی در سده‌های میانه تاریخ ایران، شعبانی و زارعی: صص ۲۲-۳۰).

علاوه بر شخصیت‌های سیاسی و حماسی باستان، اشاره به نام زردشت پیامبر در سه اندرزنامه از شش متن موردنظر نیز بسیار قابل تأمل است؛ زیرا مذهب رسمی در دوره مذکور، اسلام است و ذکر نام پیامبر مذهب پیشین دلیلی جز احترام به فرهنگ گذشته نداشته است.

در بین شخصیت‌های گویا مطرح شده در اندرزنامه‌های موردبحث در این مقاله، استناد بسیار به خداوند بخصوص آیات قرآن و برخی از شخصیت‌های مذهبی اسلامی مانند حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) نیز جلب توجه میکند. گفتگو با خداوند و نقل قول از او در کتب دینی زردشتی سابقه داشته است.^۱ اما استناد به آیات قرآن در اندرزنامه‌های فارسی، علاوه بر نشان التزام به دین اسلام، تحت تأثیر زبان و ادبیات عرب بوده است (تاریخ ادبیات ایران، صفا: ص ۳۹۵).

استفاده از نام حضرت محمد (ص) نیز با توجه به اینکه پیامبر دین اسلام محسوب میشوند، به نوعی التزام نویسنده به دین اسلام را نشان میدهد که اینک در تمام اندرزنامه‌های موردنظر نیز به ایشان استناد شده است. اما نقل قول از حضرت علی (ع)^۲ میتواند دلایل دیگری داشته باشد. در قرن اول هجری، علاوه بر رفتار محبت‌آمیز ایشان با ایرانیان موالی در کوفه، شیعه دارای روش سازماندهی سیاسی بود که در مقابل امویان، به مذاق بسیاری از ایرانیان خوش آمد. همچنین ایرانیان با شیعه تشابهات فکری نیز داشتند، بعنوان مثال اساس این تفکر در شیعه «که پیشوایی و رهبری عامه باید از مشیت و اراده الهی ناشی باشد» بسیار به اعتقاد ایرانیان که پادشاهان خود را صاحبان فره ایزدی میشمرده‌اند، نزدیک بوده است (تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه: صص ۳۶-۳۹، ۳۹). بنابراین اقبال به حضرت علی (ع)، علاوه بر محبوبیت ایشان، گرایش ضدعرب را نیز نشان میدهد، بخصوص اینکه در قیاس با استناد به نام خلفای عرب، بسامد استفاده از نام حضرت علی (ع) در اندرزنامه‌های این دوره بیشتر است. نام ایشان در چهار اندرزنامه بعنوان شخصیت گویا مطرح شده است در حالیکه دو یا نهایتاً در موارد معدود سه اندرزنامه

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک یشتها ۱ و ۲، ۲۵۳۶.

۲. ایشان هم دارای وجهه سیاسی و هم وجهه مذهبی هستند.

به نام خلفای عرب استناد کرده‌اند که نشان از محبوبیت بیشتر و وسیع‌تر حضرت علی (ع) است.^۱ گرایش ضدعرب تنها در مورد استناد به نام حضرت علی (ع) و یا حتی زردشت پیامبر نمودار نیست، بلکه با توجه به مطالب پیشتر مربوط به گروه شخصیت‌های سرمشق سیاسی در دوره باستان و اسلامی نیز گرایش به ایرانیان در اندرزنامه‌های این دوره محسوس است. حتی در بررسی شخصیت‌های الگوی بدون نام خاص در متون موردنظر نیز چنین موردی را بخصوص در آفرین‌نامه و پندنامه انوشیروان نیز میتوان دید که از موصوفات مربوط به فرهنگ ایران باستان بیشترین استناد را داشته‌اند، درحالی‌که کیمیای سعادت در استناد به شخصیت‌های الگوی بدون نام خاص نیز بیشترین صورت مربوط به فرهنگ اسلامی بخصوص عرب را استفاده کرده است. بطور کلی، غیر از کیمیای سعادت که در موارد بسیاری به اعراب ارجاع داده است، سایر اندرزنامه‌ها متمایل به ارجاع به ایرانیان چه در دوره باستان و چه اسلامی بوده‌اند. بخصوص اقبال به فرهنگ ایران باستان در آفرین‌نامه، پندنامه انوشیروان، سیرالملوک، قابوسنامه و خردنامه بسیار مشهود است.

در گروه اشخاص اجتماعی، توجه به یونانیان در دوره باستان بیش از همه است که میتواند دلیل آشنایی با آثار این افراد از طریق نهضت ترجمه و تدریس فلسفه که در مدارس سده سوم و چهارم انجام میشد، باشد (بررسی تحلیلی سنت اندرزنامه‌نویسی سیاسی در تاریخ میانه ایران، فروزش: ص ۹۳). اهمیت به علم و فلسفه را در گروه شخصیت‌های سرمشق اجتماعی دوره اسلامی نیز با استناد به محمد زکریای رازی در قابوسنامه میتوان دید. برخی از شاعران دوره اسلامی نیز از افراد مورد توجه در این گروه هستند که با توجه به پرورش رسمی زبان و ادبیات فارسی در سده‌های مذکور، استناد به آنان عجیب نمی‌آید.

در گروه شخصیت‌های سرمشق مذهبی دوره اسلامی علاوه بر حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) که توضیحات آن پیشتر آمد، افرادی که بسیار جلب توجه میکنند عرفا، صوفیان، محدثان و متکلمان هستند. هرچند در این زمینه اقبال نویسنده کیمیای سعادت بسیار زیاد است، اما استناد به این افراد در قابوسنامه، خردنامه و سیرالملوک، هرچند معدود، نیز وجود دارد که در مجموع میتواند تحت تأثیر مناقشات مذهبی و پرورش و توجه به علم فقه، حدیث و کلام در سده‌های اول هجری (همان: صص ۴۵-۸۳) و همچنین رشد تصوف و عرفان و جاذبه آن در دوره مذکور باشد (تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه: صص ۳۸۴-۴۰۱).

نتیجه‌گیری

اندرزنامه‌ها در دوره اسلامی روشی برای بیان اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. از نکاتی که در این اندرزنامه‌ها میتوان به آن توجه کرد، بکارگیری نام اشخاص و افرادی است که نویسنده اندرزنامه برای تأکید و تأیید سخنان خود و همچنین اقناع مخاطب از آنها استفاده کرده است و ما در این مقاله با عنوان «شخصیت‌های الگو» از آنها یاد کردیم.

اندرزنامه‌نویسان در انتخاب شخصیت‌های الگو، نه تنها براساس نحوه تفکر و ایده‌های خود برای اصلاح عمل کرده، بلکه به محبوبیت این اشخاص در اجتماع نیز توجه داشته‌اند. بنابراین بررسی شخصیت‌های الگوی اندرزنامه‌ها نکات قابل توجهی از ارزشها و چالشهای جامعه و همچنین نحوه تفکر حکما را نمایان می‌سازد.

در این مقاله تلاش شد رویکرد اندرزنامه‌نویسان قرون چهار و پنج هجری در انتخاب شخصیت‌های الگو در شش

۱. نکته قابل ذکر اینکه برای بررسی اهمیت یک نفر یا یک گروه از افراد در اندرزنامه‌های مذکور نباید صرفاً به تعداد کاربرد توجه کرد، بلکه باید وسعت استفاده از آن نام در اندرزنامه‌های مختلف نیز بررسی شود.

اندرزنامه آفرین‌نامه، پندنامه انوشیروان، خردنامه، سیرالملوک، قابوسنامه و کیمیای سعادت تحلیل و بررسی شود. متون مذکور همه متعلق به قرون چهار و پنج هجری و در واقع اولین اندرزنامه‌های نوشته‌شده به فارسی در دوره اسلامی‌اند. سده‌های مربوطه، از لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره‌ای خاص محسوب می‌شوند و ایرانیان در تلاش برای احیاء فرهنگ ایرانی و پیوند آن با فرهنگ اسلامی بوده‌اند. بسیاری از حاکمان و امرا نیز سعی کردند با اجرای رسوم و نسب‌سازی به فرهنگ ایرانی نزدیک شوند.

با جمع داده‌ها در بین اندرزنامه‌های موردنظر در این مقاله، مشخص می‌شود توجه به فرهنگ اسلامی در تمامی اندرزنامه‌ها بخصوص کیمیای سعادت دیده می‌شود. توجه به فرهنگ باستان نیز در آفرین‌نامه، پندنامه انوشیروان، سیرالملوک، قابوسنامه و خردنامه نسبت به کیمیای سعادت، بیشتر است.

نویسندگان آفرین‌نامه، پندنامه انوشیروان و سیرالملوک بیشتر به شخصیت‌های الگوی حوزه سیاسی؛ خردنامه به سرمشق‌های اجتماعی، سیاسی و مذهبی؛ قابوسنامه به شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی و کیمیای سعادت به اشخاص الگوی مذهبی و سپس سیاسی توجه داشته‌اند. بنابراین حوزه سیاسی در مرکز توجه نویسندگان اندرزنامه‌ها بوده و پس از آن به حوزه مذهبی و اجتماعی عنایت شده است که نمودار چالش‌های جامعه از منظر نویسندگان اندرزنامه‌ها و امید آنان به احیاء سنت‌های سیاسی ایرانی در حکومت‌های دوره اسلامی بوده است. در گروه اشخاص سیاسی باور به کاردانی افراد موردنظر در دوره ایران باستان و همچنین اقبال به حکومت‌های ایران‌دوست مثل سامانی، غزنوی و دیلمی بیش از خلفای عرب است. در بین شخصیت‌های سیاسی عرب، دو خلیفه اول و همچنین خلفای عباسی، بدلیل ارتباط نزدیکشان با ایرانیان، بیش از خلفای اموی که از مخالفان سرسخت فرهنگ ایرانی بوده‌اند، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در دسته شخصیت‌های سرمشق مذهبی، استناد نیمی از اندرزنامه‌های این دوره به زرتشت پیامبر نمودار احترام به فرهنگ باستان است. اقبال بسیار به قرآن و حضرت محمد (ص) بدلیل رسمی بودن دین اسلام طبیعی است، اما در استناد به حضرت علی (ع) گرایش ضدعرب محسوس است. بخصوص با توجه به تعدد منابع استنادکننده به حضرت علی (ع)، وجه سیاسی این مخالفت پررنگتر شده است. توجه جامعه به آموزه‌های فقهی، کلامی و عرفانی و وجود دغدغه‌های مذهبی نیز در بسامد و تعدد استناد به نام فقها، متکلمان، صوفیان و عارفان بارز است. در دسته شخصیت‌های اجتماعی، توجه به فلاسفه بخصوص یونانی و بعد شاعران، نشان از آشنایی و علاقه‌مندی جامعه ایرانی به فلسفه یونان و همچنین ظهور رسمی زبان و ادبیات فارسی در دوره اسلامی دارد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای ایران‌شناسی مصوب در دانشگاه شهید بهشتی تهران استخراج شده است. سرکار خانم دکتر زهره زرشناس راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم فائزه عقیقی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر فرزانه گشتاسب نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی و

هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Al-Lahiari, Fereydoon. (۲۰۰۲). Qaboosnameh of onsor ol ma'ali and the Current of Political Counseling in Islamic Iran, *Faculty of Literature and Humanities* (University of Isfahan), No.۳۰ and ۳۱, pp. ۱۴۲-۱۲۵.
- Boyce, Mary. (۲۰۰۷). *The religion of ancient Zoroastrianism and its enduring power*. Translated by Abolhassan Tahami. Tehran: Negah.
- Foroozesh, Sina. (۲۰۱۲). *An Analytical Study of the Tradition of Political Counseling in the Middle History of Iran*, Tehran: Jahad Daneshgahi Publishing Organization. pp ۹۳، ۴۵-۸۳.
- History of Iran from Islam to Seljuk. (۱۹۹۴). from the series of researches of the Department of Iranian History, University of Cambridge, compiled by R.N. Fray, translated by Hassan Anousheh, Tehran: Amirkabir.
- Imam Mohammad Ghazali. (۱۹۹۷). *Kimiyaye Sa'adat*. Corrected by Ahmad Aram. ۲nd ed. Tehran: Ganjineh.
- Kheradnameh. (۱۹۹۹). By the efforts of Mansour Sarvat. ۲nd ed. Tehran: Amirkabir.
- Mohammadi Malayeri, Mohammad. (۱۹۷۶). *Continuation of Sassanid culture in the Islamic era and its causes and factors*, High Council of Culture and Arts. Center for Cultural Studies and Coordination, pp. ۱۲-۲۰.
- Nizam al-Mulk. (۲۰۰۶). *Siyar al-Muluk*. Recognition, analysis, text editing, explanations by Mohammad Estelami, Tehran: Zavar.
- Onsorol Ma'ali of Kikavous ibn Iskandar. (۲۰۰۳). *Qaboosnameh*. Edited and corrected by Gholam Hossein Yousefi. ۱۲nd ed. Tehran: Elmi va farhangi.
- S. Skaked, Z. Safa; ANDARZ" *Encyclopaedia Iranica*, II/۱, pp ۱۱-۲۲ available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/andarz-precept-instruction-advice> (accessed on ۳۰ December ۲۰۱۲)
- Safa, Zabihullah. (۱۹۹۴). *History of Literature in Iran*. Tehran: Ferdowsi.
- Sha'bani, Emamali and Zar'ei, Ali. (۲۰۱۲). *Genealogy in the Middle Ages of Iranian History; Reasons and Backgrounds*. *Cultural History Studies. Research Letter of the Iranian History Association*. ۴ (۱۴), pp. ۲۱-۵۲.

- Tafazoli, Ahmad. (۱۹۹۷). History of Iranian literature before Islam. By the effort of Jaleh Amoozgar. Tehran: Sokhan. Pp. ۱۸۱-۲۰۱.
- Tarafdari, Ali Mohammad. (۲۰۱۵). The position of ministers and ministers in the texts of medieval letters of the Middle Ages. Journal of the Historian.No. ۱۰. pp ۲۲-۳۶.
- Yashtha. (۱۹۷۷). Pourdaoud Report, edited by Bahram Farhvasi, ۲nd ed. Tehran: Institute of Publishing and Printing, University of Tehran.

فهرست منابع فارسی

- آیین زرتشت کهن روزگار و قدرت ماندگارش، بویس، مری (۱۳۸۶)، ترجمه ابوالحسن تهمی، تهران: نگاه.
- استمرار فرهنگ ساسانی در دوران اسلامی و علل و عوامل آن، محمدی ملایری، محمد (۲۵۳۵)، شورای عالی فرهنگ و هنر. مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی، صص ۱۲-۲۰
- بررسی تحلیلی سنت اندرزنامه‌نویسی سیاسی در تاریخ میانه ایران، فروزش، سینا (۱۳۹۱)، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تفضلی، احمد (۱۳۷۶)، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: سخن.
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳)، جلد اول، چاپ ششم، تهران: فردوسی.
- تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه (۱۳۶۳)، از سلسله تحقیقات گروه تاریخ ایران دانشگاه کمبریج، گردآورنده رن. فرای، مترجم حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- جایگاه وزارت و وزیران در متون اندرزنامه‌های قرون میانه هجری، طرفداری، علی محمد (۱۳۹۵)، مجله تاریخ نگار. ش ۱۰، صص ۳۶-۲۲.
- خردنامه (۱۳۷۸)، به کوشش منصور ثروت، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.
- سیرالملوک، خواجه نظام‌الملک (۱۳۸۵)، بازشناسی، تحلیل، ویرایش متن، توضیحات از محمد استعلامی، تهران: زوار.
- قابوسنامه، عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر (۱۳۸۲)، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ ۱۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- قابوسنامه عنصرالمعالی و جریان اندرزنامه‌نویسی سیاسی در ایران دوران اسلامی، اللهیاری، فریدون (۱۳۸۱)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)، ش ۳۰ و ۳۱، صص ۱۴۲-۱۲۵.
- کیمیای سعادت، امام محمد غزالی (۱۳۷۶)، تصحیح احمد آرام، چاپ ۴، تهران: گنجینه.
- نسب و نسب‌سازی در سده‌های میانه تاریخ ایران، شعبانی، امامعلی و زارعی، علی (۱۳۹۱) مطالعات تاریخ فرهنگی، (۱۴) ۴، صص ۲۱-۵۲.
- یشت‌ها (۲۵۳۶)، گزارش پورداوود، تصحیح بهرام فره‌وشی، ۲ ج، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- S. Skaked, Z. Safa; ANDARZ" Encyclopaedia Iranica, II/۱, pp ۱۱-۲۲ available online at <http://www.iranicaonline.org/articles/andarz-precept-instruction-advice>(accessed on ۳۰ December ۲۰۱۲

معرفی نویسندگان

فائزه عقیقی: دانشجوی دکتری گروه ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(Email: faezehaghighi59@gmail.com)

زهره زرشناس: استاد گروه فرهنگ و زبانهای باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول: zohreh_zarshenas30@yahoo.com) (Email: zohreh_zarshenas30@yahoo.com)

فرزانه گشتاسب: دانشیار گروه فرهنگ و زبانهای باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

(Email: goshtasbfarzaneh@gmail.com)

COPYRIGHTS

© 2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Faezeh Aghighi: PhD student, Department of Iranology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

(Email: faezehaghighi59@gmail.com)

Zohreh Zarshenas: Professor, Department of Culture and Ancient Languages, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

(Email: zohreh_zarshenas30@yahoo.com Responsible author)

Farzaneh Goshtasb: Associate Professor, Department of Ancient Culture and Languages, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

(Email: goshtasbfarzaneh@gmail.com)